

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده  
شهر اِسْن - المان

## آئینه های وجدان

خشکیده برگ و بارم ، دور از بهار و باران  
از گرمی تموز و ، از سردی زمستان  
از کبر و از غرور و خودخواهی خزان و  
بیداد و قهر ژاله ، از رعد و برق و طوفان  
در دامن طبیعت ، افتاده بی پناهم  
چون قطره اشک حسرت ، بر دیده یتیمان  
از جور دون گردون ، با فرق سر دویدم  
در شرق و غرب عالم ، بالا و گاهی پایان  
نه همدم و انیسی ، نه یار و نه رفیقی  
هر یک به مدعایی ، دزدیده نام احسان  
شد آب همچوسیماب ، بس رگ رگ و مفاصل  
با بستر فراق و ، با کوله بار هجران  
اِسپند و گاهی آخگر ، گه جُزوه ، گاهی آذر  
در سوز و در گدازم ، بر مجرم عزیزان  
چون تاب زلف جانان ، پیچیده ام به شانہ

تا صیقلی نمایم، آئینه های وجدان  
باتارِ کنده کنده ، با سوزنِ بریده  
دوزیده چاکِ دامن، تا پاره گریبان  
با جام و با پیاله ، با ساغرِ شکسته  
نوشیده زهرِ قاتل ، از دستِ آشنایان  
هر یک به نوبه خود ، سنگی به شیشه ام زد  
بیگانه را چه گویم ، حتی که قوم و خویشان  
با پنبه سر بریدند ، از دور و گاهی نزدیک  
هم دادر و برادر ، فرزند و نورِ چشمان  
بس جست و جو نمودم ، از بهرِ این تعدّی  
یک نامکی بیابم ، شد واژه ها گریزان  
«نعمت» به صفحه دل ، گه با خضاب و رنگ و  
گه با زکاب و خامه ، در هر طرف به جولان